

دانستن، گم شده مردم



سیدمصطفی‌هاشمی‌طا

اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌گوید دولت جمهوری اسلامی موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار ببرد و در بند دوم این اصل می‌نویسد: «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر».

می‌بینیم که طبق قانون اساسی بالا رفتن آگاهی‌ها و دانستنی‌ها حق مردم است اما در عمل در طول سال‌های طولانی دولت‌ها برای گفتن اطلاعاتی که به مردم متعلق است، روش‌های مختلفی به کار می‌گیرند که تفاوت‌هایی با هم دارند اما در یک امر مشترک واحدند و آن اطلاع‌رسانی حداقلی یا سکوت در برابر اطلاعات متناقضی است که ذهن مردم را درگیر کرده است. البته این روش به‌اصطلاح مینی‌مالیستی دولت‌ها در عملکرد آنها نیز دیده شده است، زیرا اگر چنین نبود و دولت‌ها دست از ضایط به حداقل‌ها برداشته و روش دیگری پیشه می‌کردند، شرایط کشور نوع دیگری خود را نشان می‌داد. دولت‌ها همواره تلوخیا و البته گاه و بی‌گاه تصریحا گفته‌اند که برای مردم کار می‌کنند و همه چیزشان متعلق به مردم است اما در همان حال از ارائه اطلاعات حداقلی به مردم نیز طفره رفته‌اند.

رئیس دولت چهاردهم بارها هم قبل از انتخاب‌شدن و هم پس از آن، موضوع «دانستن حق مردم است» را مورد تأکید قرار داده و این‌را که با مردم در همه حال صادق هستند، مطرح کرده‌اند. واضح است که این ارائه صادقانه اطلاعات به مواردی که مورد سوءاستفاده دشمنان قرار می‌گیرد، نمی‌تواند تسری داشته باشد، اما بسیاری از اطلاعات و آگاهی‌ها را تنها مردم کشورمان نمی‌دانند و سرویس‌های اطلاعاتی خارجی و حتی خبرگزاری‌های بین‌المللی از آن آگاهی دارند. قبل از هر موضوع دیگر مثالی را می‌توان مطرح کرد.

می‌دانیم که موضوع قاچاق سوخت و انرژی مطلبی است که بسیار مورد بحث و گفت‌وگو قرار گرفته و هیچ‌کس در هیچ دولتی حاضر به ارائه اطلاعات مربوطه به مردم نشده است. توجه شود که آمار صادرات نفت، قیمت فروش و نحوه فروش از مواردی است که هرگز برای مردم باز نشده و استدلال این امر هم آن است که دشمنان از آن مطلع می‌شوند؛ هرچند آنان اطلاعات لازم را به هر نحو حتی با عملیات نفوذی به دست می‌آورند.

با تصدی‌گیری دولت چهاردهم این امید بود که حداقل اطلاعاتی که مورد نیاز است، به مردم ارائه شود و دولت با ارائه دقیق و درست مردم را آگاه کند. به طور مثال ببینیم در گزارش روزنامه همشهری مورخ یکشنبه ۲۲ مهر ۱۴۰۳ این‌ مطلب یعنی قاچاق سوخت (بنزین و گازوئیل) چگونه آمده است.

الف- آقای بابک شریعتی، عضو کمیسیون انرژی مجلس، گفته‌اند که روزانه ۱۰ میلیون لیتر گازوئیل و پنج میلیون لیتر بنزین قاچاق می‌شود. ب- آقای موسی غنی‌نژاد، اقتصاددان، گفته‌اند که از ۱۲۰ میلیون مصرف بنزین روزانه ۵۰ میلیون لیتر قاچاق می‌شود.

ج- آقای حسین راغفر، اقتصاددان، گفته‌اند روزانه ۲۰ میلیون لیتر قاچاق سوخت در کشور داریم.

د- آقای سید هاشم اورعی، رئیس اتحادیه انجمن علمی انرژی، گفته‌اند روزانه بین ۲۰ تا ۲۰ میلیون لیتر سوخت قاچاق می‌شود. فیلم‌ها و تصاویر صداوسیما جمهوری اسلامی هزاران

وانت پر از بنزین یا گازوئیل در صفی

طولانی و این را که هزاران وانت در این کار مشغول‌اند، به‌وضوح نشان می‌دهد.

| |
|----------------------------------|
| پنجشنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۳ |
| ۱۳ ربیع‌الثانی ۱۴۴۶ |
| ۱۷ اکتبر ۲۰۲۴ |
| سال بیست‌ویکم |
| شماره ۴۹۵۱ |
| ۲۰ هزار تومان |
| ۱۲ صفحه |

در «شرق» امروز می‌خوانید: از تجدیدنظر درباره هنرمندان ممنوع‌الکار تا پیگیری FATF • وزیر ارشاد خبر داد؛ مسیر طولانی تغییرات به دلیل استعلام‌ها • درباره گل‌نبشته‌های هخامنشی

تندروها و سد ظریف

وحیده‌کریمی: «ظریف باید برود» اسم رمز حملات جدید جریان رادیکال برای تخریب مسعود پزشکیان و دولت چهاردهم است. حملاتی که با سخنان و تهدیدات رسایی شروع شد و غضنفری و کوثری آن را ادامه دادند و حتی با تهدید به برکناری پزشکیان به رویاپردازی برای محاکمه رئیس‌جمهور بابت انتصاب ظریف پرداختند. هرچند تندروها خوب می‌دانند که حملاتی از این دست قرار نیست برای آنان نتیجه‌ای در بر داشته باشد، اما با ایجاد فضاسازی و تخریب، زمینه را از یک سو برای دیده و شنیده‌شدن خود فراهم می‌کنند و از سویی، امید دارند بتوانند در زمین سیاست‌ورزی این روزها، خود را احیا کنند. البته مهم‌تر از همه اینها تلاش برای تضعیف ظریف برای تحقق نیافتن برنامه‌های او و به مراتب اولی ممانعت از تحقق برنامه‌های وفاق دولت چهاردهم

انتقاد بازیکنان و مربیان تیم ملی از تلویزیون

لطفاکانال را عوض کنید

صفحه ۹

یادداشت

اهل تهرانم... دشت سجاده من

به مناسبت هفته تهران



ترانه‌یلدا

معمار و شهروز

تهران مرکزی با لذت شام می‌خورد. مثل اینها هزاراند تهرانی‌ها... همه در عالم خود. برگردیم به هفته تهران. دوستان مؤسسه «تهران، مطالعات کلان‌شهری»، بر گرد خانم دکتر گیتی اعتماد، معمار و شهروز صاحب‌نام تهران، دو جلسه داشتند؛ یکی در موزه هنرهای زیبای کاخ سعیدآباد درباره خیابان انقلاب که مهم‌ترین خیابان شهر تهران است و دیگری در خانه اندیشمندان. انقلاب خطی است که شمال و جنوب شهر را از هم جدا می‌کند و همیشه در ذهن ما معنایی پنهان در خود داشته است. زمانی طولانی شیک‌ترین خیابان تهران بوده و جای قدم‌زدن و تماشای ویترین‌ها؛ و از میدان امام حسین بود و بیچ‌شمرون تا میدان فردوسی (جای رانده‌ووی زن سرخ‌بوش با م سردی که هرگز نیامد)... و بعد چهارراه کالج با غلغله دبیرستانی‌های کالج البرز و رضاشاه و پلی‌تکنیکی‌ها... و از همه مهم‌تر دانشگاه تهران که برای خودش وقاری داشت و هنوز هم سمبل شهر تهران است، به‌طوری‌که با وجود مصلاهی بزرگ و باشکوه، هنوز نماز جمعه در آنجا برگزار می‌شود. در خانه اندیشمندان علوم انسانی، اولین سخنران دکتر احمد سعیدیان بود که سخنان شیرینی را با ش‌رخی بر کتاب‌های جعفر شهری درباره تهران قدیم بیان کرد و از مغازه‌ها، خیاط‌ها، کتاب‌فروشی‌ها، کافه‌رستوران‌ها و میعادگاه‌های جوانان در انقلاب و نیز سینماها و تئاترهای لاله‌زار گفت؛ جایی که قلب تهران در سال‌های قبل و بعد از انقلاب می‌تپید. سعیدینیا از سسر پل تجریش تا حضرت عبدالعظیم دانه‌دانه از مکان‌های کانوئی نام برد و میعادگاه‌های مردم شهر در بیرون از حصار ناصری و در

شرق

گلاب آدینه از خاطراتش در مهمان مامان و فیلسوف سینمای ایران می‌گوید

مهرجویی از سینما تا جادو



این گفت‌وگو را در صفحه ۶ بخوانید. عکس: سهند تاجی، شرق

واکاوی مباحث اخیر درباره لزوم تغییر دکترین هسته‌ای ایران در گفت‌وگو با احمد بخشایش اردستانی

ضرورتی برای زندگی امن

برگزیده‌ها

روایتی از دیده‌های روزانه و شبانه زیر خیابان‌های شهر

دوروی سکه مترو

گزارش «شرق» از بخشنامه جدید طلاق توافقی و ارزیابی میزان فایده‌مندی آن در گفت‌وگو با یک حقوق‌دان

اماواگرهای طلاق توافقی

وزن‌ونلایی‌ها چگونه توانستند نرخ تورم را کاهش دهند؟

احیای وزن‌ونلا

طرح ابتیالیا برای ضابطه‌مندشدن پذیرش مهاجران اجرائی شد

آلبانی میزبان مهاجران غیرقانونی

یادداشت

سرودی برای مردم ایران



احمد مسججامعی

انجمن موسیقی ملی از قدیمی‌ترین تشکل‌های هنری دوران معاصر سرزمین ماست و پرازه‌ترین اثر آنها سرود «ای ایران» است که ترانه‌سرای آن حسین گل‌کلاب، استاد علوم دانشگاه تهران و عضو نخستین فرهنگستان زبان ایران بود. این شعر با آهنگ‌سازی روح‌الله خالقی و آواز غلامحسین بنان به اجرا درآمد. برای نخستین بار در روز پنجشنبه ۲۷ مهر ۱۳۲۳ در تالار اجتماعات مدرسه نظامی (نظامی‌کنجوی) در خیابان سپه در محله شیخ هادی (امام خمینی کنونی) برای عموم اجرا شد. این مدرسه احتمالاً همان است که بعدها به ضلع جنوب شرقی خیابان سپه بین آن خیابان و خیابان ورزش، در ضلع جنوبی پارک شهر منتقل شد. برخی از اعضای برجسته ارکستر انجمن موسیقی ملی، که بسا این اثر همراهی داشته‌اند، عبارت‌اند از: ابوالحسن صبا، حبیب سماعی، عبدالعلی وزیري، مهدی برکشلی، موسی معروفی، نصرالله زرین‌پنجه، حسین تهرانی، حسینعلی ملاح، یحیی معتمد وزیري، حسینعلی وزیري و جواد معروفی. هم‌سرایان این گروه نیز بعدها هریک جایگاه و پایگاه رفیعی در این رشته یافتند. روح‌الله خالقی در کتاب «سرگذشت موسیقی ایران» دراین‌باره چنین نگاشته‌که این اثر را آهنگ‌ساز گوینده تحت تأثیر شرایط زمانه، یعنی اشغال ایران از طرف قوای انگلیس و روس و آمریکا، سروده و ساخته بودند. او ادامه می‌دهد که هرچند وضع برای «تظاهرات ملی» آماده نبود، ولی آهنگ و شعر این سرود «احساسات ملی» را سخت برمی‌انگیخت. نکته کلیدی در بیان نویسنده آن است که با این سرود، «اولین ضربه به طور غیرمستقیم بر پیکر ارتش خارجی که «ناخوانده میهمان» ما بودند، زده شد».

دوران معاصر را نیز برشمرد. سپس دکتر اسکندر مختاری، میراث‌شناس تهران، از تهران و اهمیت فضاهای عمومی‌اش گفت. اینکه این فضاهای رایگان، ویترین شهر هستند و متعلق به همه شهروندان. اینکه حاصل تقاضای جامعه‌اند و این ذهن شهروندان و رفتار آنهاست که در طول تاریخ معاصر تهران فضای عمومی شهر را هر بار شکل داده و بازمتحول کرده است. در آخر اما حمید ناصرنصیر در سخنرانی‌اش با عنوان «معماری قدرت، قدرت معماری» به تشریح طیف مفاهیم و موضوعات حوزه فضای عمومی و ارتباط آنها با قدرت پرداخت و سابقه تمدنی معماری قدرت و دگرگونی تاریخی این نسبت پس از رویداد مدرنیته را شرح داد. او همچنین با اشاره به جریان تاریخی تغییر دستور فضا، نقش معماران و طراحان در این فرایند را مورد پرسش قرار داد.

روز شانزدهم مهر جلسه دیگری نیز به مناسبت روز تهران در طبقه هفتم ساختمان بهشت با موضوع «مشروطه و تهران سیاسی» برگزار شد. با وجود تم جذاب و سخنرانان نام‌آشنا، جلسه جز چند نفر از کارمندان همان شهرداری مخاطبی نداشت. سخنران اول دکتر جواد حسینی از دانشگاه امام صادق بود که از رابطه شهر با سیاست در دوران مشروطه وصف و تحلیل جالبی داشت؛ با تجدد، شهر مدرن شاهد خروج علمای روشنفکر شد. شیخ فضل‌الله نوری در کنار بازار هر روز درس می‌داد. نهاد ریشه‌دار علما بهتر از نهادهای بازاریبان و روشنفکران توانست در سال‌های ۱۲۸۵، ۱۳۲۰، ۱۳۴۲ و ۱۳۵۷ مردم را به حرکت درآورد و به اعتراضات شکل دهد و بازاریبان سراسری امیر، سرای حاج حسن، سرای حاج امین‌الضرب و البته تمام مساجد بازار را پذیرای معترضان کردند. ایشان افزود در شهر امروز، ما طردشدگی و آسیب‌ها را داریم که می‌تواند ما را به «بیگانگی اجتماعی» بکشاند. از این‌رو، روستا که شهر مکان- رویدادهای تاریخی-اعتراضی خود را بازآیابد و تقویت کند. حمیدرضا حسینی نیز از ارگ و بازار و مجلس و میدان بهارستان گفت. من نیز در آخر این همنوایی‌ها، در مدح و وصف تهران، با سهراب همچنان می‌خوانم: «کعبه‌ام زیر آفاقی‌هاست... کعبه‌ام مثل نسیم... می‌رود باغ به باغ، می‌رود شهر به شهر...».

انتشارات شرق منتشر کرد

